

آناتومی ویرانسازی انسان

(پرخاشجویی و ویرانسازی)

نویسنده: اریک فروم

www.ketab.ir

ترجمه: دکتر احمد صبوری



انتشارات آشیان

The anatomy of human destructiveness, 1992

Erich Fromm

سرشناسه	: فروم، اریک، ۱۹۰۰ - ۱۹۸۰ م. Fromm, Erich
عنوان و نام پدیدآور	: آناتومی ویرانسازی انسان (پرخاشجویی و ویرانسازی) / نوشته اریک فروم؛ ترجمه احمد صبوری.
مشخصات نشر	: تهران: آشیان، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۴۰ ص.
شابک	: 978-964-7518-27-7
وضعیت فهرست نویسی	: قایم
یادداشت	: The anatomy of human destructiveness, عنوان اصلی: ۱۹۹۲
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۵۹۹ - ۶۲۶.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: پرخاشگری
موضوع	: خشونت
شناسه افزوده	: صبوری، احمد، ۱۳۲۴ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۵ ۴ف۴/۵۷۵BF
رده بندی دیویی	: ۱۵۵/۲۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴-۳۹۹۵

www.ketab.ir

انتشارات آشیان

آناتومی ویرانسازی انسان

اریک فروم

احمد صبوری

صفحه‌آرایی: ابراهیم توکلی

طراحی جلد: سارا حسن‌پور

چاپ هفتم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۲۵۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۲۷۹۲ ۰۹۱۲۱۳۹۹۶۲۵

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-964-7518-27-7

شابک: ۷-۲۷-۷۵۱۸-۹۶۴-۹۷۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

تقدیم به تاج بهار صبوری

مادری رنج بسیار برده
که زندگیم داد و دوست داشتن
تا زیبایی‌ها نشانم دهد،
و آموختم زندگی تلاشی زیباست
برای زدودن زنگار زشتی
از چهره زندگی،
که بزرگ‌ترین زشتی‌ها
نادانی ماست بر زیبایی‌هاش
که زندگی، هم وسیله است هم هدف!

به مادرم، که زندگیش را
تبلور زحمت
در ما نهاده،
تا جاودانگی انسان را
دستی داده باشد،
و

در ما خواهد زیست
تا به شکوفایی، رشد، و گسترش
یاری رسانند.

به مادرم ...
که اگر تاج نبوده،
بهار بوده و زاینده!

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	واژه شناسی.....
۱۹	مقدمه.....
۱۹	غریزه و شور انسانی.....
۳۱	بخش اول: غریزه، رفتار، روان کاوی.....
۳۳	۱. غریزه گرایان - غریزه گرایان پیشین.....
۳۵	غریزه گرایان نوین: زیگموند فروید و کنراد لورنز.....
۳۵	مفهوم فرویدی پرخاشجویی.....
۳۷	نظریه ی پرخاشجویی لورنز.....
۴۱	فروید و لورنز: شباهت ها و تفاوت های شان.....
۴۲	«دلیل» تمثیلی.....
۵۰	نتیجه گیری هایی درباره ی.....
۵۴	بت پرستی تکامل.....
۵۷	۲. حیطه گرایان و رفتار گرایان.....
۵۷	محیط گرایی در عصر روشنگری.....
۵۷	رفتار گرایی.....
۵۸	نو- رفتار گرایی اسکینر.....
۵۹	هدفها و ارزش ها.....
۶۶	دلایل و جاهت مکتب اسکینر.....
۶۷	رفتار گرایی و پرخاشجویی.....
۷۱	درباره ی آزمایش های روان شناختی.....
۹۹	نظریه ی بی کامی - پرخاشجویی.....
۱۰۳	۳: غریزه گرایی و رفتار گرایی: تفاوت ها و شباهت های شان.....
۱۰۳	زمینه های مشترک.....
۱۰۵	نظریات تازه تر.....
۱۰۸	زمینه های سیاسی و اجتماعی هر دو نظریه.....
۱۱۳	۴: رویکرد روان کاوی برای درک پرخاشجویی.....
۱۲۰	جمع بندی کنیم.....

۱۲۳	بخش دوم: بطلان غریزه باوری.....
۱۲۵	۱. فیزیولوژی اعصاب.....
۱۲۵	رابطه‌ی روان‌شناسی با فیزیولوژی اعصاب.....
۱۳۰	مغز به عنوان اساس رفتار پرخاشگرانه.....
۱۳۲	کارکرد دفاعی پرخاشجویی.....
۱۳۴	غریزه‌ی «گریز».....
۱۳۵	شکارگری و پرخاشجویی.....
۱۳۹	۲. رفتار جانوری.....
۱۴۰	پرخاشجویی در اسارت.....
۱۴۵	پرخاشجویی انسانی و ازدحام.....
۱۴۸	پرخاشجویی در وحش - بوم.....
۱۵۴	سرزمین‌گرایی و مهتری.....
۱۵۹	پرخاشجویی در میان دیگر پستانداران.....
۱۶۱	آیا انسان مهارتی برای شکار دارد؟.....
۱۶۵	۳. دیرین‌شناسی.....
۱۶۵	آیا انسان نوعی واحد است؟.....
۱۶۶	آیا انسان جانوری شکارگر است؟.....
۱۷۱	۴. انسان‌شناسی.....
۱۷۱	«انسان شکارچی» - آدم انسان شناختی؟.....
۱۷۹	پرخاشجویی و شکارچیان نخستین.....
۱۹۱	شکارچیان ابتدایی - جامعه‌ی فراوانی؟.....
۱۹۳	جنگ‌های نخستین.....
۲۰۰	انقلاب نوسنگی.....
۲۱۰	جامعه‌های پیش از تاریخ و «سرشت انسان».....
۲۱۲	انقلاب شهرنشینی.....
۲۱۸	پرخاشجویی در فرهنگ‌های ابتدایی.....
۲۱۹	تحلیل سی قبیله‌ی ابتدایی.....
۲۲۰	نظام الف: جامعه‌های اثبات‌گر زندگی.....
۲۲۱	نظام ب: جامعه‌های پرخاشجو - غیر ویران‌ساز.....
۲۲۱	نظام ج: جامعه‌های ویران‌ساز.....
۲۲۱	نمونه‌های سه نظام.....

۲۲۲	 سرخیوستان زونی (نظام الف):
۲۲۷	 مانوها (نظام ب):
۲۲۷	 دوبوها (نظام ج):
۲۳۰	 شواهدی بر ویرانسازی و شقاوت

بخش سوم: پرخاشجویی و ویرانسازی: گونه‌ها و وضعیت‌های آن..... ۲۳۷

۲۳۹	 ۱. پرخاشجویی خوش خیم
۲۳۹	 اظهارات مقدماتی
۲۴۲	 شبه پرخاشجویی
۲۴۲	 پرخاشجویی تصادفی
۲۴۳	 پرخاشجویی سرخوش
۲۴۴	 پرخاشجویی اطمینان به خود
۲۵۱	 پرخاشجویی دفاعی
۲۵۵	 پرخاشجویی واریسی
۲۵۷	 پرخاشجویی و خوددوستی
۲۶۲	 پرخاشجویی و مقاومت
۲۶۵	 پرخاشجویی همگون‌گرد
۲۶۵	 پرخاشجویی هدف‌دار
۲۶۸	 درباره‌ی علت‌های جنگ
۲۷۵	 شرایط کاهش پرخاشجویی دفاعی
۲۷۷	 ۲. پرخاشجویی بدخیم، مقدمات
۲۷۷	 اظهارات مقدماتی
۲۷۸	 سرشت انسان
۲۹۱	 نیازهای وجودی انسان و شورهای گوناگون ریشه‌یافته در منش
۲۹۳	 ریشه‌داشستگی
۲۹۵	 یگانگی
۲۹۶	 کارایی
۲۹۹	 تهییج و تحریک
۳۰۵	 کسالت - افسردگی مزمن
۳۱۶	 ساخت منش
۳۱۸	 وضعیت پرورش شورهای ریشه‌یافته در منش

۳۱۹		اوضاع فیزیولوژی عصبی
۳۲۴		اوضاع اجتماعی
۳۲۹		درباره‌ی بخردانه بودن غریزه‌ها و شورها
۳۳۲		کارکردهای روانی شورها
۳۳۵		۳. پرخاشجویی بدخیم: شقاوت و ویرانسازی
۳۳۵		ویرانسازی آشکار
۳۳۸		صورت‌های خودانگیخته
۳۳۸		سابقه‌ی تاریخی
۳۳۹		ویرانسازی انتقامجویانه
۳۴۲		ویرانسازی و جدآور
۳۴۴		پرستش ویرانسازی
۳۴۴		کرن، فن سالومون: موردی بالینی از مورد پرستش ویرانی
۳۴۹		منش ویرانگر: سادیسم
۳۵۲		نمونه‌هایی از سادیسم: سادیسم جنسی
۳۵۵		ژوزف استالین: موردی بالینی از سادیسم غیرجنسی
۳۶۰		ماهیت سادیسم
۳۷۰		اوضاعی که سادیسم به وجود می‌آورد
۳۷۲		هاینریش هیملر: موردی بالینی از سادیسم مقعدی
۴۰۰		جمع‌بندی کنیم
۴۰۵		۴. پرخاشجویی بدخیم: مرگ - دوستی
۴۰۵		مفهوم سنتی
۴۱۱		منش مرده‌دوست
۴۱۳		رؤیاهای مرگ‌دوستانه
۴۱۹		اقدام‌های مرگ‌دوستانه «ناخواسته»
۴۲۴		زبان مرده‌دوستان
۴۲۵		پیوند بین مرگ‌دوستی و پرستش فن
۴۴۵		فرضیه‌ی مربوط به زنا با محارم و عقده اودیپ
۴۵۳		رابطه‌ی غریزه‌های فرویدی زندگی و مرگ با زیست‌دوستی و مرگ‌دوستی
۴۵۵		اصول بالینی / روش شناختی
۴۵۹		۵. پرخاشجویی بدخیم: آدولف هیتلر، تاریخچه‌ی فردی برای مرگ‌دوستی
۴۵۹		اظهارات مقدماتی

۴۶۲	پدر و مادر هیتلر و نخستین سال‌ها
۴۶۲	کلارا هیتلر
۴۶۴	آلویس هیتلر
۴۶۶	از کودکی تا شش سالگی (۹۵ - ۱۸۸۹)
۴۷۱	دوران کودکی
۴۷۱	شش تا یازده سالگی (۱۹۰۰ - ۱۸۹۵)
۴۷۳	پیش از نوجوانی و نوجوانی
۴۷۳	یازده تا هفده سالگی (۱۹۰۶ - ۱۹۰۰)
۴۸۲	وین (۱۹۱۳ - ۱۹۰۷)
۴۸۹	مونخ
۴۹۱	شرحی بر روش‌شناسی
۴۹۲	ویرانسازی هیتلر
۵۰۱	واپس‌زدن ویرانسازی
۵۰۳	جنبه‌های دید شخصیت هیتلر
۵۰۷	رابطه با زنان
۵۱۳	استعداد و نبوغ
۵۲۴	روکش (نقاب)
۵۲۸	نارسایی‌های اراده و واقع‌بینی

۵۳۷	پی‌نوشت - در ابهام امید
۵۴۳	پیوست: نظریه‌ی پرخاشجویی و ویرانسازی فروید
۵۴۳	۱: تطور برداشت فروید از پرخاشجویی و ویرانسازی
۵۵۱	۲: تحلیل دگرگونی‌ها و انتقاد از نظریه‌های فروید
۵۷۱	۳: قدرت و محدودیت‌های غریزه‌ی مرگ
۵۷۹	۴: انتقاد از جوهر نظریه
۵۸۲	۵: اصل کاهش تهییج: اساسی برای اصل شادی و غریزه‌ی مرگ

۵۹۱	واژگان فارسی - انگلیسی
۵۹۵	واژگان انگلیسی - فارسی
۵۹۹	کتابشناسی
۶۲۷	نمایه

پیشگفتار

بررسی حاضر نخستین مرحله از اثری جامع درباره‌ی نظریه‌ی روان‌کاوی است. بررسی پرخاشجویی و ویرانسازی و نظریه‌ی اثر از این‌روست که یکی از مسایل بنیادین نظری در روان‌کاوی است و از این گذشته هیچ ویرانسازی که جهان را فرا گرفته در عمل بیشترین مناسبت را به این بررسی می‌دهد.

شش سال پیش از آغاز کردن کتاب، دشواریهایی را که ممکن بود با آن روبرو شوم بسیار ناچیز می‌شمردم. خیلی زود آشکار شد که چنانچه در محدوده‌ی میدان اصلی توانش خویش، یعنی روان‌کاوی، باقی بمانم، در مورد ویرانسازی انسان به گونه‌ای مناسب نمی‌توان نوشت. این پژوهش در همان حال که پیش از هرچیز پژوهشی روان‌کاوانه دانسته می‌شود، در دیگر میدان‌ها به ویژه فیزیولوژی اعصاب، روان‌شناسی جانوری، دیرین‌شناسی و انسان‌شناسی نیز به اندک دانشی نیازمند است تا از تنگ نظری بیش از اندازه و همچنین از آشفته ساختن محدوده‌ی موضوع، دوری شود. دست کم می‌بایست بتوانیم نتیجه‌گیری‌های خود را با داده‌های اصلی دیگر رشته‌ها بررسی کنیم تا مطمئن شویم که فرضیه‌های من آنها را نقض نمی‌کند و معلوم شود، همچنان که امید داشتیم، فرضیه مرا تأیید می‌کند.

چون هیچ نوشته‌ای وجود نداشت که یافته‌های همه‌ی این رشته‌ها را درباره‌ی پرخاشجویی گزارش داده و یگانه سازد یا حتی در رشته‌ای مشخص خلاصه‌شان کند، مجبور شدم خود به چنین کوششی بپردازم. به گمان من، این تلاش با ارائه‌ی امکان

سهیم شدن خوانندگان در نگرش همه جانبه‌ای نسبت به مسأله‌ی ویرانسازی است. بیش از نظریه‌ای که از موضع رشته‌ای واحد ارائه گردد، به آن کمک خواهد کرد. روشن است در چنین تلاشی دام‌های بسیار وجود دارد. آشکار است که نمی‌توانستیم در همه‌ی این رشته‌ها صلاحیت یابیم - و کمتر از همه، در رشته‌ای که با دانشی ناچیز از آن آغاز کرده بودم: علم اعصاب. در این رشته نه تنها با مطالعه‌ی شخصی، که به لطف دانشمندان علم اعصاب نیز، اندک دانشی به دست آوردم، تنی چند از آنان مرا راهنمایی کرده و به پرسش‌های بسیاریم پاسخ گفتند و گروهی دیگر بخش مربوط به دست‌نوشته را مطالعه کردند. هرچند متخصصان مشاهده می‌کنند که در رشته‌های خاص خودشان چیز تازه‌ای برای ارائه به آنان ندارم، احتمال دارد از این فرصت برای آشنایی بیشتر با داده‌های دیگر قلمروها درباره‌ی موضوعی که از چنان اهمیت اساسی برخوردار است، استقبال کنند.

تکرار و اشتراک مطالب با نوشته‌های پیشین من مشکلی حل نشدنی است. بیش از سی سال است که در روی مسایل انسان کار می‌کنم و در این فرایند در همان عین که متوجه قلمروهای تازه‌ای می‌شوم، بخش خود را نسبت به قلمروهای پیشین گسترش داده و ژرفتر می‌سازم. احتمالاً بدون آگاهی از گذشته‌هایی درباره‌ی مفهوم‌های نوینی که این کتاب به آنها می‌پردازد، درباره‌ی ویرانسازی انسان نمی‌توان نوشت. سعی من بر این بوده که - با ارجاع بحث‌های مفصل‌تر به نوشته‌های متقدم‌تر - پیشین - تکرار را به کمترین میزان ممکن برسانم؛ لیکن با این همه، تکرار اجتناب‌ناپذیر بوده است، کتاب قلب انسان از این جهت حالت ویژه‌ای دارد. هسته بعضی یافته‌های تازه‌ی من درباره‌ی مرگ دوستی - زیست دوستی در این کتاب آمده است. ارائه‌ی این یافته‌ها هم از لحاظ نظری و هم با توجه به شرح‌های بالینی در کتاب حاضر بسیار بسط داده شده است. درباره‌ی تفاوت‌های معینی بین نظریات بیان شده در این اثر با نوشته‌های پیشین بحثی نکرده‌ام، زیرا چنین بحثی جای زیادی را می‌گرفت و برای بسیاری از خوانندگان چندان جذابیتی نداشت.

تنها وظیفه‌ی مفرح ابراز تشکر از کسانی است که مرا در نوشتن این کتاب یاری داده‌اند.

مایلم از دکتر ژروم برامس به خاطر کمک در توضیح نظری مسایل مربوط به رفتار گرایی و برای همیاری خستگی‌ناپذیرش در جستجوی نوشته‌های مربوطه بسیار تشکر کنم.

از دکتر خوان دودیوز هرناندز برای کمک در تسهیل بررسی فیزیولوژی اعصاب بسیار

سپاسگزارم. وی طی ساعت‌ها بحث، بسیاری مسایل را توضیح داده، مرا با نوشته‌های بسیار زیاد در این زمینه آشنا کرده، و درباره‌ی بخش‌هایی از دست‌نوشته که به مسایل مربوط به فیزیولوژی اعصاب پرداخته، راهنمایی کرد.

از دانشمندان علم اعصاب که گاه با گفتگوهای شخصی مفصل و نامه مرا یاری دادند بسیار متشکرم: دکتر رایول هراندز پئون فقید، دکتر رابرت لیوینگستن، دکتر رابرت هیث، دکتر هاینس فن فورستر، دکتر تئودور ملنچوک که بخش‌های فیزیولوژی اعصاب در دست‌نوشته را نیز خواندند. همچنین ترتیب جلسهای با اعضای برنامه‌ی پژوهش علوم اعصاب در موسسه‌ی تکنولوژی ماسوچوست را دادند مروهون دکتر فرانسیس اشمیت می‌دانم که در آن جلسه اعضا به بحث درباره‌ی پرسش‌هایی پرداختند که من برایشان مطرح ساختم. از آلبرت شپیر که در گفتگو و مکاتبه، در قوام‌بخشی تصویر هیتلر بسیار سودمند واقع شد، متشکرم. همچنین مروهون رابرت کمپنر هستم که به عنوان یکی از دادیاران امریکایی محاکمه نورنبرگ اطلاعاتی گردآورده بود.

از دکتر دیوید شکر، دکتر مایکل مکوبی، و گرتروود هونزیکر فروم نیز به خاطر خواندن دست‌نوشته و پیشنهادهای سازنده و انتقادی و ارزشمندشان تشکر می‌کنم؛ از دکتر ایوان ایلچ و دکتر رامون زایرانو به خاطر پیشنهادهای سودمندشان در موضوع‌های فلسفی؛ از دکتر میسن به خاطر اظهار نظرهایش در رشته‌ی روان‌شناسی جانوری؛ از دکتر هلموث دوترا به خاطر اظهارات سودمندش درباره‌ی مسایل دیرین‌شناسی؛ از ماکس هونزیکر برای پیشنهادهای سودمندش در مورد سورزیالیسم، و از هاینس براندت به خاطر پیشنهادها و اطلاعات روشن‌گرش درباره‌ی اعمال وحشت‌نازی سپاسگزارم. با تشکر از دکتر کالینکویتس به خاطر علاقه‌ی تشویق‌گر و فعالی که به این نوشته ابراز داشت. همچنین از دکتر ایلچ و دوشیزه والتینا بورسمن به خاطر همیاری‌شان در استفاده از امکانات کتاب‌شناسی مرکز اسناد فرهنگی بین‌المللی در کوثرناواکای مکزیک، تشکر می‌کنم.

با استفاده از این فرصت می‌خواهم سپاسگزاری خود را از خانم بثاتریس میر ابراز کنم که طی بیست سال گذشته نه تنها نسخه‌های دست‌نوشته‌هایم، از جمله نوشته‌ی حاضر، را بارها ماشین کرد و با حساسیت بسیار و درک و جدیت به ویرایش آنها از لحاظ زبانی پرداخت و پیشنهادهای ارزشمند بسیاری ارائه کرد.

با تشکر تصدیق می‌کنم طی ماه‌هایی که در خارج از کشور بودم، خانم جون هیوز با شایستگی بسیار و به گونه‌ای سودمند از دست‌نوشته مراقبت کرده است.

از آقای ژوزف کانین سردبیر هولت، راینهارت و وینستن نیز به خاطر ویرایش ساعیانه و بسیار توانا و پیشنهادهای سازنده‌اش متشکرم. مایلم باز هم از خانم لارن هیل سردبیر و آقای ویلسن گشینز و دوشیزه کتی فالین ویراستاران تولید در هولت، راینهارت و وینستون به خاطر مهارت و دقت در هماهنگ‌سازی کار بروی دست‌نوشته در مراحل گونه‌گون تولید، سپاسگزاری کنم. سرانجام، از مرین ادومیروک به خاطر عالی بودن ویرایش موثر و مسئولانه‌اش متشکرم.

بخشی از هزینه‌ی این پژوهش از کمک خدمات بهداشت همگانی شماره‌ی ۱۳۱۴۴-۵۱ م ح و ۱۳۱۴۴-۵۲ م ح، موسسه‌ی ملی بهداشت روانی تأمین شده است. از بنیاد آلبرت و مری لاسکر نیز که امکان به فراهم آوردن یک دستیار برای کمک بیشتر به من را فراهم ساخت، سپاسگزارم.

ا. ف.

نیویورک

مه ۱۹۷۳

www.ketab.ir